ترجمه تحت اللفظی و روان متن

قَوانینُ المُرورِ (قوانین راهنمایی و رانندگی)

رَجَعَ	سَجّادٌ	مِنَ	الْمَدرَسَةِ	حَزيناً؛	عِنْدَما	جَلَسَ	عَلَى	الْمائِدَةِ	مَعَ	أُسْرَتِهِ،
برگشت	سجّاد	از	مدرسه	اندوهگین	وقتی	نشست	بر	سفرهٔ غذا	با	خانواده‌اش

سجّاد با ناراحتی از مدرسه برگشت؛ وقتی که به همراه خانواده‌اش بر سر سفرهٔ غذا نشست

بَدَأَ	بِالْبُكاءِ	فَجْأَةً	وَ	ذَهَبَ	إِلَى	غُرفَتِهِ؛	ذَهَبَ	أَبوهُ	إِلَيهِ	وَ تَكَلَّمَ	مَعَهُ	وَ	سَأَلَهُ:
شروع کرد	به گریه کردن	ناگهان	و	رفت	به سوی	اتاقش	رفت	پدرش	به سوی او	و صحبت کرد	با او	و	پرسید از او

ناگهان شروع به گریه کرد و به سوی اتاقش رفت؛ پدرش به سوی او رفت و با او صحبت کرد و از او پرسید:

«لِماذا	ما أَكَلْتَ	الطَّعامَ؟»	أَجابَ	«هَلْ	تَعْرِفُ	صَديقي	حُسَيناً؟»	قالَ:	«نَعَم	أَعْرِفُهُ
چرا	نخوردی؟	غذا	جواب داد	آیا	می‌شناسی	دوستم	حسین	گفت	بله	می‌شناسم او را

چرا غذا نخوردی؟ جواب داد: «آیا دوستم حسین را می‌شناسی؟» گفت: «بله، او را می‌شناسم.

هوَ	وَلَدٌ	ذَكيٌّ	وَ	هادِئٌ	ماذا	حَدَثَ	لَهُ؟»	أَجابَ	سَجّادٌ:	«هوَ	رَقَدَ	فِي	الْمُسْتَشفَى
او	پسری	باهوش	و	آرام	چه چیزی	رخ داد	برای او	جواب داد	سجّاد	او	بستری شد	در	بیمارستان

او پسری باهوش و آرام است. چه اتفاقی برای او افتاده است؟» سجّاد جواب داد: او در بیمارستان بستری شد.

تَصادَمَ	بِالسَّيّارَةِ	حَدَثَ	التَّصادُمُ	أَمامي	عِندَما	شاهَدْتُهُ	عَلَى	الرَّصيفِ	الْمُقابِلِ	نادَيْتُهُ
تصادف کرد	با ماشین	اتفاق افتاد	تصادف	روبه‌روی من	زمانی که	دیدم او را	در	پیاده‌رو	روبه‌رو	صدا زدم او را

با ماشین تصادف کرد. تصادف جلوی من اتفاق افتاد. وقتی او را در پیاده‌روی روبه‌رو دیدم، او را صدا زدم.

فَعَبَرَ	الشّارِعَ	فَجْأَةً	وَ	مانَظَرَ	إِلَى	الْيَسارِ	وَ	الْيَمينِ	اِقْتَرَبَتْ	سَيّارَةٌ	مِنْهُ	وَ	صَدَمَتْهُ»
پس عبور کرد	خیابان	ناگهان	و	نگاه نکرد	به سوی	چپ	و	راست	نزدیک شد	ماشین	به او	و	برخورد کرد به او

پس ناگهان از خیابان عبور کرد و به سمت چپ و راست نگاه نکرد. ماشین به او نزدیک شد و به او برخورد کرد.

قالَ	أَبوهُ:	«كَيْفَ	حالُهُ	الْآنَ؟»	قالَ	سجّادٌ:	«هوَ	بِخَيرٍ	كانَتْ	سُرْعَةُ	السَّيّارَةِ	قَليلَةً.»
گفت	پدرش	چگونه	حال او	الان	گفت	سجاد	او	خوب است	بود	سرعت	ماشین	کم

پدرش گفت: اکنون حالش چطور است؟ سجاد گفت: او خوب است. سرعت ماشین کم بود.

فِي	الْيَومِ	التّالي	طَلَبَ	الْمُدَرِّسُ	مِنْ	تَلاميذِهِ	كِتابَةَ	قَوانينِ الْمُرورِ	في	صَحيفَةٍ	جِداريَّةٍ
در	روز	بعد	خواست	معلّم	از	دانش‌آموزانش	نوشتن	قوانین راهنمایی و رانندگی	در	روزنامه‌ای	دیواری

روز بعد، معلّم از دانش‌آموزانش خواست قوانین راهنمایی و رانندگی را در یک روزنامه دیواری بنویسند.

ثُمَّ	طَلَبَ	مُديرُ	الْمَدرَسَةِ	مِنْ	إِدارَةِ الْمُرورِ	شَرْحَ	إِشاراتِ الْمُرورِ	فِي	الْمَدرَسَةِ
سپس	خواست	مدیر	مدرسه	از	ادارهٔ راهنمایی و رانندگی	شرح	علامت‌های راهنمایی و رانندگی	در	مدرسه

سپس مدیر مدرسه از ادارهٔ راهنمایی و رانندگی، شرحِ علامت‌های راهنمایی و رانندگی را خواست.

جاءَ	شُرطيُّ الْمُرورِ	وَ	شَرَحَ	الْإشاراتِ اللّازِمَةَ	لِلتَّلاميذِ	وَ	أَمَرَهُم	بِالْعُبورِ	مِنْ	مَمَرِّ الْمُشاةِ
آمد	پلیس راهنمایی و رانندگی	و	شرح داد	علامت‌های لازم	برای دانش‌آموزان	و	دستور داد آن‌ها را	به عبور کردن	از	گذرگاه پیاده

پلیس راهنمایی و رانندگی آمد و علامت‌های لازم را برای دانش‌آموزان شرح داد و به آن‌ها دستور داد از گذرگاه پیاده عبور کنند.

كَتَبَ	التَّلاميذُ	صَحيفَةً	جِداريَّةً	وَ	رَسَموا	فيها	عَلاماتِ	الْمُرورِ	وَ	شَرَحوا	مَعانيَها
نوشت	دانش‌آموزان	روزنامه‌ای	دیواری	و	نقاشی کردند	در آن	علامت های	راهنمایی و رانندگی	و	شرح دادند	معانی آن‌ها را

دانش‌آموزان یک روزنامهٔ دیواری نوشتند و در آن علامت‌های راهنمایی و رانندگی را کشیدند و معانی آن‌ها را توضیح دادند.

السَّيرُ في هـٰذَا الطَّريقِ مَمنوعٌ.
(ورود ممنوع)

الدَّوَرانُ عَلَى الْيَمينِ مَمنوعٌ.
(گردش به راست ممنوع)

الدَّوَرانُ عَلَى الْيَسارِ مَمنوعٌ.
(گردش به چپ ممنوع)

اَلْعُمّالُ يَعْمَلونَ.
(کارگران مشغول کارند)

تَقْتَرِبُ مِنَ الْمَطْعَمِ.
(به رستوران نزدیک می‌شوی)

مَمَرُّ الْمُشاةِ.
(گذرگاه عابر پیاده)

درستی یا نادرستی گزینه‌های زیر را براساس متن درس بنویسید.

۱) كانَ مَوضوعُ الصَّحيفَةِ الْجِداريَّةِ قَوانينَ الْمُرورِ. موضوع روزنامه دیواری قوانین راهنمایی و رانندگی بود. ☑

۲) رَقَدَ حسينٌ فِي مُستَوصَفٍ قَريبٍ مِن بَيتِهِ. حسین در درمانگاهی نزدیک خانه‌اش بستری شد. ☒

۳) رَجَعَ سجّادٌ إلَى مَنزِلِهِ مَسروراً. سجّاد خوشحال به خانه‌اش برگشت. ☒

۴) أُسْرَةُ سجّادٍ ما عَرَفَتْ حُسَيناً. خانوادهٔ سجاد حسین را نشناختند. ☒

۵) كانَتْ سُرْعَةُ السَّيّارةِ قَليلَةً. سرعت اتومبیل کم بود. ☑

واژگان

آمَنَ: ایمان آورد (مضارع: يُؤمِنُ)

إدارَةُ الْمُرورِ: ادارهٔ راهنمایی و رانندگی

أُسْوَة: الگو

إشاراتُ الْمُرورِ: علامت‌های راهنمایی و رانندگی

اِقْتَرَبَ مِنْ: نزدیک شد به (مضارع: يَقْتَرِبُ)

أَنْصَح: اندرزگوترین

بُكاء: گریه کردن، گریه

تالي: بعدی «اَلْيَومُ التّالي: روز بعد»

تَصادَمَ: تصادف کرد (مضارع: يَتَصادَمُ)

تَكَلَّمَ: صحبت کرد (مضارع: يَتَكَلَّمُ)

حَذَّرَ: هشدار داد (مضارع: يُحَذِّرُ)

ذَكيّ: باهوش

رَسَمَ: نقّاشی کرد (مضارع: يَرْسُمُ)

رَصيف: پیاده‌رو

رَقَدَ: بستری شد، خوابید (مضارع: يَرْقُدُ)

سَتَرَ: پوشاند، پنهان کرد (مضارع: يَسْتُرُ)

شَقاوَة: بدبختی

صَحيفَة جِداريَّة: روزنامه دیواری

صَدَمَ: برخورد کرد (مضارع: يَصْدِمُ)

فَجْأَةً: ناگهان

قُبْح: زشتی

لَقَدْ: قطعاً

لِمَ: برای چه (لِ + ما)

ما: آنچه

مُرور: گذر کردن

مُسْتَشفى: بیمارستان

مَمَرُّ مُشاة: گذرگاه پیاده

نادَى: صدا زد (مضارع: يُنادي)

هادِئ: آرام

مترادف	شاهَدَ = رَأَىَ = نَظَرَ (دید)	رَقَد = نامَ (خوابید)	مُدَرِّس = مُعلِّم (معلّم)	رَجَعَ = عادَ (بازگشت)
	طريق = سبيل (راه)	لِمَ = لِماذا (چرا)	كَتَم = سَتَر (پنهان کرد)	المُقابِل = أمَام (روبه‌رو)
	المَرء = إنسان (انسان)			
متضاد	تالي ≠ قَبل (بعد ≠ قبل)	مَسرور ≠ مَحزون (خوشحال ≠ ناراحت)	حُسْن ≠ قُبح (خوب ≠ زشت)	شَقاوة ≠ سَعادة (بدبختی ≠ خوشبختی)
	بَكَىَ ≠ ضَحِكَ (گریه کرد ≠ خندید)	حُسْنُ الخُلق ≠ سوءُ الخُلق (خوش اخلاقی ≠ بد اخلاقی)		
جمع مکسر	قوانين ← قانون (قانون)	أطْعِمَة ← طعام (غذا)	أصدقاء ← صَديق (دوست)	أولاد ← وَلد (پسر)
	عُمّال ← عامِل (کارگر)	طُرُق ← طَريق (راه)	أوراق ← وَرق (کاغذ)	دُموع ← دَمع (اشک)
	ألوان ← لَون (رنگ)	أسماك ← سَمك (ماهی)	تَلاميذ ← تِلميذ (دانش‌آموز)	مَعاني ← مَعني (معنا)
	شَوارع ← شارِع (خیابان)	أخبار ← خَبر (خبر)	عِباد ← عَبد (بنده)	مَلاعِب ← مَلعَب (ورزشگاه)
	أزهار ← زَهْرة (شکوفه)	إخوة ← أخ (برادر)	مَرضى ← مَريض (بیمار)	قواعِد ← قاعِدة (اصل)

قواعد درس دوم

وزن و حروف اصلی

بسیاری از کلمه‌ها در زبان عربی دارای **سه حرف اصلی** هستند. برای تشخیص این سه حرف اصلی کافیست که کلمات هم‌خانوادهٔ آن را بنویسیم و این سه حرف را که در تمام آن‌ها تکرار می‌شود پیدا کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید.

کلمات هم‌خانواده	حروف اصلی
حاكِم- مَحْكوم- حَكيم- حِكْمَة- مُحاكَمَة- حُكومَة- أَحْكام- حُكم	ح ك م
عالِم- مَعْلوم- عَليم- تَعْليم- أَعْلَم- عُلوم- إعلام- عِلْم	ع ل م
كاتِب- مَكتوب- كَتيبة- مَكْتَبَة- كُتُب- مُكاتَبَة	ك ت ب
مَجْلِس- مُجالَسَة- إجْلاس- جَلْسَة- جَليس- جُلوس	ج ل س

توجه به سه حرف اصلی، «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند و به حروفی که همراه حروف اصلی می‌آیند، «حروف زائد» گفته می‌شود. حروف زائد معنای جدیدی به کلمه می‌دهند.

نکته اگر به جای حروف اصلی به‌ترتیب سه حرف «ف ع ل» قرار دهیم و حروف زائد را با آن بنویسیم وزن کلمات به‌دست می‌آید. به مثال‌های زیر توجه نمایید.

حـا كِـم (ح ك م)
فـا عِـل (ف ع ل)

مَـحْـكـو م (ح ك م)
مَـفْـعـو ل (ف ع ل)

حَـكـيـم (ح ك م)
فَـعـيـل (ف ع ل)

حِـكْـمَـة (ح ك م)
فِـعْـلَـة (ف ع ل)

چند وزن پرکاربرد در عربی به همراه مثال

وزن	کلمات	حروف اصلی	حروف زائد
فاعِل	حاکِم- عالِم- کاتِب- ناصِر	(ح ک م)- (ع ل م)- (ک ت ب)- (ن ص ر)	ا
مَفْعول	مَحْکوم- مَعْلوم- مَکْتوب- مَنْصور	(ح ک م)- (ع ل م)- (ک ت ب)- (ن ص ر)	م- و
مُفاعَلَة	مُحاکَمَة- مُکاتَبَه- مُجالَسَة- مُناظَرَة	(ح ک م)- (ک ت ب)- (ج ل س)- (ن ظ ر)	م- ا- ة
فعیل	حَکیم- عَلیم- جَلیس- نَصیر	(ح ک م)- (ع ل م)- (ج ل س)- (ن ص ر)	ی
مَفاعِل	مَحاکِم- مَناصِب- مَکاتِب- مَجالِس	(ح ک م)- (ن ص ب)- (ک ت ب)- (ج ل س)	م- ا

نکته وزن «فاعِل» به معنای «انجام دهنده یا دارندهٔ حالت» و وزن «مَفْعول» به معنای «انجام شده» است.

مثال: ناصِر: یاری دهنده / مَنْصور: یاری شده کاتِب: نویسنده / مَکْتوب: نوشته شده صانِع: سازنده / مَصْنوع: ساخته شده

ترجمه کنید: یا صانِعَ کُلِّ مَصْنوع، یا خالِقَ کُلِّ مَخْلوق

پاسخ: ای سازندهٔ هر ساخته شده‌ای، ای آفرینندهٔ هر آفریده شده‌ای

تمارین کتاب درسی

التمرین الأول

حروف اصلی و ترجمهٔ کلمات زیر را بنویسید.

۱) عابِد، مَعْبود: (ع ب د) عابِد: عبادت‌کننده مَعْبود: عبادت شده

۲) فاتِح، مَفْتوح: (ف ت ح) فاتِح: گشاینده مَفْتوح: گشوده شده

۳) کاتِب، مَکْتوب: (ک ت ب) کاتِب: نویسنده مَکْتوب: نوشته شده

۴) ضارِب، مَضْروب: (ض ر ب) ضارِب: ضربه زننده مَضْروب: ضربه دیده

۵) خادِم، مَخْدوم: (خ د م) خادِم: خدمت کننده مَخْدوم: خدمت شونده

۶) شاهِد، مَشْهود: (ش ه د) شاهِد: بیننده مَشْهود: دیده شده

التمرین الثانی

وزن کلمات جدول را بنویسید.

ریشه	ماضی	مضارع
خ ر ج	أَخْرَجَ / أَفْعَلَ	یُخْرِجُ / یُفْعِلُ
س ل م	سَلَّمَ / فَعَّلَ	یُسَلِّمُ / یُفَعِّلُ
ع م ل	تَعامَلَ / تَفاعَلَ	یَتَعامَلُ / یَتَفاعَلُ
ع ل م	تَعَلَّمَ / تَفَعَّلَ	یَتَعَلَّمُ / یَتَفَعَّلُ
خ د م	اِسْتَخْدَمَ / اِسْتَفْعَلَ	یَسْتَخْدِمُ / یَسْتَفْعِلُ
س ف ر	سافَرَ / فاعَلَ	یُسافِرُ / یُفاعِلُ
ك س ر	اِنْکَسَرَ / اِنْفَعَلَ	یَنْکَسِرُ / یَنْفَعِلُ
ش غ ل	اِشْتَغَلَ / اِفْتَعَلَ	یَشْتَغِلُ / یَفْتَعِلُ

التمرين الثالث

پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به هم را به یکدیگر وصل کنید.

۱ قَوانينُ الْمُرورِ (قوانین راهنمایی و رانندگی)	الف) قَواعِدُ السَّيرِ وَ الْمُرورِ فِي الشَّوارِعِ وَ الطُّرُقِ.	اصول عبور و مرور در خیابان‌ها و راه‌ها.
۲ اَلْمُسْتَشْفَى (بیمارستان)	ب) أَوراقٌ فيها أَخبارٌ وَ مَعلوماتٌ أُخْرَى.	کاغذهایی که در آن اخبار و اطلاعاتی دیگر است.
۳ اَلرَّصيفُ (پیاده‌رو)	ج) جانِبٌ مِنَ الشّارِعِ لِمُرورِ النّاسِ.	کناری از خیابان برای عبور مردم.
۴ اَلصَّحيفَةُ (روزنامه)	د) مَكانٌ مُجَهَّزٌ لِفَحْصِ الْمَرضَى.	جایی مجهز برای معاینهٔ بیماران.
۵ اَلْبُكاءُ (گریه کردن)	هـ) جَرَيانُ الدُّموعِ مِنَ الْحُزْنِ.	جاری شدن اشک‌ها از ناراحتی.

۱ ← (الف) ۲ ← (د) ۳ ← (ج) ۴ ← (ب) ۵ ← (هـ)

التمرين الرابع

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هوَ- هُما- هُم- هيَ- هُنَّ- أَنتَ- أَنتُما- أَنتُم- أَنتِ- أَنتُنَّ- أَنا- نَحْنُ

من	أنا		
تو	أنتَ	أنتِ	
او	هو	هي	
ما	نَحْنُ		
شما	أنتم	أنتُنَّ	أنتُما
ایشان	هُم	هُنَّ	هُما

التمرين الخامس

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»

التّالي / جِداريَّةٍ/ تَصادَمَتا/ تِلْميذٌ/ الدُّموعُ / حَدَثَ

۱ يا زَميلي، ما بِكَ؟ لِمَ أنتَ حَزينٌ؟ ماذا حَدَثَ ؟	ای همکلاسی من، تو را چه شده است؟ برای چه ناراحتی؟ چه اتّفاقی افتاده است؟
۲ اَلتَّلاميذُ مَشغولونَ بِتَهيئَةِ صَحيفَةٍ جِداريَّةٍ.	دانش‌آموزان مشغول تهیهٔ یک روزنامهٔ دیواری هستند.
۳ أَخي تلميذٌ فِي الصَّفِّ السّادِسِ الإبتِدائيِّ.	برادرم دانش‌آموزی در کلاس ششم ابتدایی است.
۴ اَلسَّيّارَتانِ تصادَمَتا أَمامَ بابِ الْمَصنَعِ.	دو ماشین مقابل درب کارخانه تصادف کردند.
۵ الدُّموعُ جاريَةٌ عَلَى وَجْهِ الطِّفْلَةِ.	اشک‌ها بر روی صورت کودک جاری هستند.

التمرين السادس

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهماهنگ» است؟

۱ هادِئ	سَيّارَة	سَفينَة	طائِرَة
آرام ☑	اتومبیل ☐	کشتی ☐	هواپیما ☐
۲ شارِع	ساحَة	خاتَم	رَصيف
خیابان ☐	میدان ☐	انگشتر ☑	پیاده‌رو ☐
۳ أَكَلَ	رَأَى	شاهَدَ	نَظَرَ
خورد ☑	دید ☐	مشاهده کرد ☐	نگاه کرد ☐

۴ ماء ☐ شَراب ☐ شاي ☐ جار ☐
آب ☐ شربت ☐ چای ☐ همسایه ☑

۵ يَد ☐ لِسان ☐ سِنّ ☐ نادی ☐
دست ☐ زبان ☐ دندان ☐ صدا زد ☑

التمرين السابع

آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آن‌ها بیابید.

فاعِل: ..... يَفْعُلُ: ..... فَعالَة: ..... فِعْل: ..... فِعال: .....

۱ مِنْ سَعادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ مِنْ شَقاوَةِ ابْنِ آدَمَ سوءُ الْخُلُقِ.
فَعالَة: سَعادَة- شَقاوَة
از خوشبختی فرزند آدم خوش اخلاقی و از بدبختی فرزند آدم بد اخلاقی است.

۲ شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ لا بِالْأَصْلِ وَ النَّسَبِ.
فِعْل: عِلْم
بزرگی انسان به دانش و ادب است نه به اصل و نسب.

۳ إِنَّ أَحَبَّ عِبادِ اللّهِ إِلَى اللّهِ أَنْصَحُهُم لِعبادِهِ.
فِعال: عِباد
همانا محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند اندرزگوترین آن‌ها برای بندگانش است.

۴ حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.
يَفْعُلُ: يَسْتُرُ
ادب نیکو زشتی نسب را می‌پوشاند.

۵ ﴿إِنَّ اللّهَ عالِمُ غَيبِ السَّماواتِ وَ الْأَرضِ﴾
فاعِل: عالِم
همانا خداوند دانای نهان آسمان‌ها و زمین است.

التمرين الثامن

متن زیر را بخوانید سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

أَنا طالِبٌ فِي الصَّفِّ التّاسِعِ. اِسمي إِسحاقُ. لي أُختانِ: مَهْديم وَ لالين، هُما صَغيرَتانِ فَلا تَذهَبانِ إِلى الْمَدرَسَةِ و عِنْدي أَخَوانِ: هاشِمٌ وَ جَوادٌ . هاشِمٌ أَكبَرُ أَولادِ الْأُسرَة؛ إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدرَسَةِ وَ الْآنَ هوَ حَلْوانيٌّ. جَوادٌ فِي الصَّفِّ السّابِعِ. نَحنُ مِنْ مَدينَةِ «سَراوان» في مُحافَظَةِ «سيستان و بلوشِستان».

من دانش‌آموزی در کلاس نهم هستم. اسمم اسحاق است. دو خواهر دارم. مهدیم و لالین، آن دو کوچک هستند و به مدرسه نمی‌روند و دو برادر دارم هاشم و جواد. هاشم بزرگ‌ترین پسر خانواده است. او از مدرسه فارغ‌التحصیل شد و اکنون او شیرینی فروش است. جواد کلاس هفتم است. ما از شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان هستیم.

۱ لِماذا لا تَذهَبُ مَهْديم وَ لالين إِلَى الْمَدرَسَةِ؟
چرا مهدیم و لالین به مدرسه نمی‌روند؟
لأَنَّهما صغيرتانِ.
برای این‌که آن دو کوچک هستند.

۲ مَا اسْمُ أَكبَرِ الْبَنينَ في هذِهِ الْأُسرَةِ؟
اسم بزرگ‌ترین پسر در این خانواده چیست؟
هاشمٌ
هاشم

۳ مَن تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدرَسَةِ؟
چه کسی از مدرسه فارغ‌التحصیل شد؟
هاشمٌ
هاشم

۴ مِنْ أَينَ هذِهِ الْأُسرَةُ؟
این خانواده اهل کجا هستند؟
مِن مَدينة سراوان في محافَظَةِ سيستان و بلوشِستان.
از شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان.

۵ في أَيِّ صَفٍّ إِسحاقُ؟
اسحاق کلاس چندم است؟
في الصَّفِّ التّاسِع.
در کلاس نهم.

۶ كَم أُختاً لِإِسحاق؟
اسحاق چند خواهر دارد؟
اِثنان.
دو تا.

التمرين التاسع

با استفاده از کلمات زیر جدول را حل کنید و رمز را به‌دست بیاورید.

تَصادُمات/ تَكَلَّم/ تَلاميذ/ نادَيْتُم/ مَلاعِب/ أَزْهار/ مُسْتَشْفَى/ اِقْتَرَبْتَ/ شَقاوَة/ أَنْصَح/ تَنْظُرونَ/ حَذَّرْتُما/ أَخَوات/ إِخْوَة/ بُكاء/ سَيّارات/ وَقَعْتَ/ أَلْوان/ يَرْسُمْنَ/ أَسماك/ فِضَّة/ حَزينَة/ فَجْأَةً

				رمز ↓				
	ة	أ	ج	ف	١			١) ناگهان
ن	م	س	ر	ی	٢			٢) نقّاشی می‌کنند
ی	ف	ش	ت	س	م	٣		٣) بیمارستان
			ت	ع	ق	و	۴	۴) افتادی
				ة	ض	ف	۵	۵) نقره
م	ت	ی	د	ا	ن	۶		۶) صدا زدید
ذ	ی	م	ا	ل	ت	٧		٧) دانش‌آموزان
ک	ا	م	س	أ	٨			٨) ماهی‌ها
	ت	ا	و	خ	أ	٩		٩) خواهران
			م	ل	ک	ت	١٠	١٠) صحبت کردن
ت	ا	م	د	ا	ص	ت	١١	١١) تصادفات
ت	ب	ر	ت	ق	ا	١٢		١٢) نزدیک شدی
		ء	ا	ک	ب	١٣		١٣) گریه کردن
ن	و	ر	ظ	ن	ت	١۴		١۴) نگاه می‌کنید
			ة	و	خ	إ	١۵	١۵) برادران
	ر	ا	هـ	ز	أ	١۶		١۶) شکوفه‌ها
		ب	ع	ا	ل	م	١٧	١٧) ورزشگاه‌ها
	ن	ا	و	ل	أ	١٨		١٨) رنگ‌ها
	ح	ص	ن	أ	١٩			١٩) اندرزگوترین
	ا	م	ت	ر	ذ	ح	٢٠	٢٠) هشدار دادید
	ة	ن	ی	ز	ح	٢١		٢١) غمگین
	ت	ا	ر	ا	ی	س	٢٢	٢٢) خودروها
	ة	و	ا	ق	ش	٢٣		٢٣) بدبختی

رمز: ﴿في سِعَة الأخلاق كنوز الأرزاق﴾ الإمامُ عَليّ عليه‌السلام

ترجمه: در گشادگی اخلاق گنج‌های روزی‌ها است.

نورُ السَّماءِ (نور آسمان)

بخوانید و ترجمه کنید.

۱ ﴿مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ﴾

هر کس به خدا و روز رستاخیز ایمان آورد و کار شایسته‌ای انجام دهد، پس پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان هست.

۲ ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا لِمَ تَقولونَ ما لا تَفْعَلونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آنچه را که انجام نمی‌دهید؟!

۳ ﴿لَقَدْ كانَ لَكُم في رَسولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ قطعاً در فرستادهٔ خدا برای شما الگوی نیکویی بوده است.

۴ ﴿إِذا سَأَلَكَ عِبادي عَنّي فَإِنّي قَريبٌ﴾ هرگاه بندگانم از تو دربارهٔ من بپرسند، پس من نزدیکم.

۵ ﴿يَرْفَعِ اللّهُ الَّذينَ آمَنوا مِنْكُم﴾ خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند بالا می‌برد.

سؤالات امتحانی درس

نام‌گذاری کنید

۱ با توجه به تصاویر داده شده، نام هر یک را از داخل پرانتز انتخاب کرده و بنویسید. (دو کلمه اضافی است.)

(سِنّ- خاتَم- سَفینَة- أَزْهار- الدَّوَران عَلَی الیسارِ مَمْنوع- مَمَرٌّ مُشاة)

۱ .....

۲ .....

۳ .....

۴ .....

ترجمهٔ کلمات را از داخل پرانتز علامت بزنید.

۲ أُسْوَة:	(آسان ☐	الگو ☐	درست ☐)
۳ بُکاء:	(خندیدن ☐	گریه کردن ☐	اشک ☐)
۴ ذَکیّ:	(باهوش ☐	پاک ☐	آرام ☐)
۵ رَصیف:	(تابستان ☐	پیاده‌رو ☐	عابر ☐)
۶ فَجْأَة:	(فاجعه ☐	ناگهان ☐	باعجله ☐)
۷ قُبْح:	(زشتی ☐	زیبایی ☐	گریه ☐)
۸ مُسْتَشْفَی:	(درمانگاه ☐	بیمارستان ☐	دانشگاه ☐)
۹ نادی:	(صدا زد ☐	نقاشی کرد ☐	صحبت کرد ☐)
۱۰ هادِئ:	(سکوت ☐	آرام ☐	هدایت‌کننده ☐)

علامت مترادف ☐ و یا متضاد ☐ بگذارید.

۱۱ قَریب ☐ بَعید قُبحْ ☐ جَمال

۱۲ آمَنَ ☐ کَفَر شَقاوَة ☐ سَعادَة

۱۳ المُقابِل ☐ أَمام الیَسار ☐ الیَمین

ترجمهٔ کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، بنویسید.

۱۴ حُسنُ أدبِ المرءِ یَستُر قُبحَ نَسَبِه. .....

۱۵ شَرَفُ المَرْءِ بِعلْمِه وَ أَدَبِهِ لا بِذَهبِه. ..... / .....

۱۶ إنَّ أحَبَّ التَّلامیذِ هُمُ الّذین یَدرسُونَ بِدِقَّةٍ. ..... / .....

۱۷ فؤادُ تلمیذٌ ذکیٌّ و هو اُسوةٌ لطلّاب الصفّ. .....

۱۸ الدُّمُوعُ جاریَةٌ عَلَی وَجْهِ المریضة. ..... / .....

۱۹ بَدَأَت مریمُ بِالبُکاءِ فَجْأَةً. .....

۲۰ وَقَفَ الشُّرطیُّ في مَمَرِّ المُشاةِ. ..... / .....

۲۱ لِکُلِّ عابدٍ مَعْبُودٌ. ..... / .....

ترجمه‌های ناقص زیر را کامل کنید.

۲۲ هي رَقَدَت في المُسْتَشْفَى، تَصادَمَتْ بِالسَّيّارَةِ. او در ..... بستری شد، با ماشین تصادف کرد.

۲۳ جاءَ شُرطيُّ المُرورِ وَ شَرَحَ الإشاراتِ اللازمةَ لِلعابِرينَ. پلیس ..... آمد و علامت‌های ضروری را به عابران توضیح داد.

۲۴ كَتَبَ التِّلميذُ صَحيفةً جِداريّةً وَ رَسَمَ فيها عَلاماتِ المُرورِ. دانش‌آموز ..... نوشت و در آن نشانه‌های راهنمایی و رانندگی را .....

۲۵ شاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصيفِ المُقابِلِ. او را در ..... روبه‌رو دیدم.

۲۶ نَعَمْ أَعْرِفُها؛ هَي بنتٌ ذكيّةٌ و هادئةٌ. بله او را می‌شناسم؛ او دختری ..... و ..... .

۲۷ أُسرَةُ فاطمةَ ماعرفَتْ صَديقَتها في المُستوصَفِ. ..... فاطمه دوستش را در ..... نشناختند.

۲۸ كانَت في حَقيبتي أوراقٌ و كتبٌ دراسيّةٌ. در کیفم ..... و کتاب‌های ..... بود.

۲۹ ﴿إذا سَأَلَكَ عِبادي عَنّي فإنّي قريبٌ﴾ هرگاه ..... از تو در مورد من بپرسند پس من .....

کدام کلمه از نظر معنایی یا دستوری با بقیهٔ کلمات ناهماهنگ است؟

۳۰ عَين ☐ قَدم ☐ سِنّ ☐ نَظَرَ ☐

۳۱ أَخ ☐ أُخْت ☐ أَب ☐ تِلْميذ ☐

۳۲ المَكتبة ☐ مَدرسة ☐ خاتَم ☐ مُستشفَى ☐

۳۳ ماء ☐ مائدة ☐ شاي ☐ لَبَن ☐

۳۴ يَجْعَلُ ☐ شاهَدَ ☐ شَرِبَ ☐ أكَلَ ☐

ترجمهٔ درست را انتخاب کنید.

۳۵ «لِمَ أنتَ حزينٌ؟»:

الف) تو چرا غمگین هستی؟ ☐ ب) تو غمگین نیستی؟ ☐

۳۶ «الرَّصيفُ، جانِبٌ مِنَ الشّارِعِ لِمُرورِ النّاسِ.»:

الف) پیاده‌رو، کناری از خیابان برای عبور مردم است. ☐ ب) پارک، جایی از خیابان برای عبور مردم است. ☐

۳۷ «تَخَرَّجَ عليٌّ مِنَ المَدْرَسَةِ.»:

الف) علی از مدرسه اخراج شد. ☐ ب) علی از مدرسه فارغ التحصیل شد. ☐

۳۸ «يَرْفَعُ اللّهُ الّذينَ آمَنُوا مِنْكم.»:

الف) خداوند کسانی را که از شما ایمان می‌آورند، بالا می‌برد. ☐ ب) خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند بالا می‌برد. ☐

۳۹ ﴿... فَلَهم أجرُهُم عندَ رَبِّهِم﴾:

الف) پس آن‌ها پاداشی نزد پروردگار دارند. ☐ ب) پس برای آن‌هاست پاداششان نزد پروردگارشان. ☐

۴۰ «يا خالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ!»:

الف) ای آفریدهٔ هر آفریننده‌ای! ☐ ب) ای آفرینندهٔ هر آفریده شده‌ای! ☐

۴۱ «يا صانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ!»:

الف) ای سازندهٔ هر ساخته شده‌ای! ☐ ب) ای ساخته شدهٔ هر ساخته‌ای! ☐

۴۲ ﴿... لِمَ تَقولونَ مَا لا تَفْعَلُونَ﴾:

الف) چرا می‌گویند آنچه را که انجام نمی‌دهند؟ ☐ ب) چرا می‌گویید آنچه را که انجام نمی‌دهید؟ ☐

عبارت‌های زیر را ترجمه کنید.

۴۳ جَلَسَ عليٌّ عَلَى المائدةِ مَعَ أُسرتِه.

۴۴ هُمْ رَقَدوا في مُستشفىً قَريبٍ مِنْ بيتِهِم.

۴۵ كانَتْ سُرْعَةُ السيّارةِ قَليلةً جِدّاً.

۴۶ شاهَدْتُ شُرطيَّ المرورِ في الشارعِ الأوّلِ.

۴۷ إقْتَرَبَتْ سَيّارةٌ مِنْه وَ صَدَمَته فَجْأةً.

۴۸ ناديتُ أُمّي في الرصيفِ المُقابِلِ.

۴۹ ذَهَبَ سَجّادٌ إلى العُمّالِ وَ تَكلَّمَ مَعَهُمْ.

۵۰ حَذَّرَ الشُّرطيُّ عَلَى سائِقِ السيّارةِ.

وزن و حروف اصلی کلمات زیر را بنویسید.

۵۱ ۱) مَسرور ۲) رَحيمٌ ۳) صَبور ۴) صاحِب ۵) يَرفَعُ

جای خالی را با ضمایر مناسب داخل پرانتز پر کنید.

۵۲ ..... اِشْتَغَلَتْ بِتَهْيِئَةِ الصَّحيفةِ الجِداريّةِ. (هي ☐ أنتِ ☐)

۵۳ ..... ذَهَبْنَ إلى المَدْرسةِ. (هُنّ ☐ أنتنّ ☐)

۵۴ ..... كَتَبَ دَرْسَه في الصَّفِّ. (أنتَ ☐ هو ☐)

۵۵ ..... أَذْهَبُ إلى الصَّفِّ التاسعِ. (أنا ☐ نحن ☐)

۵۶ ..... كَتَبْتُما دَرْسَكُما في المَساءِ. (أنتما ☐ هما ☐)

۵۷ ..... جَعَلْتَ القَلَمَ فوقَ المِنْضَدةِ. (أنتَ ☐ هي ☐)

وزن، حروف اصلی و حروف زائد کلمات داده شده را در جدول زیر بنویسید.

۵۸

کلمه	وزن	حروف اصلی	حروف زائد
مُجالَسَة	.....	.....	.....
سافَرَ	.....	.....	.....
اِشْتِغال	.....	.....	.....
سَلَّمَ	.....	.....	.....
جَميل	.....	.....	.....

هر کلمه را به وزن خود وصل کنید.

۵۹

۱) عِلْم	الف) أَفْعَلَ
۲) أَقبَلَ	ب) اِنْفَعَلَ
۳) اِنكَسَرَ	ج) فَعّالَة
۴) سَيّارَة	د) فِعْل
۵) تَعَلَّمَ	هـ) تَفَعَّلَ

درک مطلب

متن زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید سپس به سؤالات آن پاسخ دهید.

تَدْرُسُ مَريمُ في الصَّفِّ التاسِع. لَها أُختانِ؛ فاطمةُ و حَديثةُ. هما لاتَذهبان إلى المَدرسةِ لأنّهما صَغيرتانِ. لِمريمَ أخٌ واحدٌ اسمُه فـؤاد. إنّه تَخَرَّجَ مِنَ المَدرسةِ وَ الآن هو شُرطيُّ المرورِ.

۶۰ كم أُختاً لِمريمَ؟ .....

۶۱ ما هو اسمُ أخ مريمَ؟ .....

۶۲ مَن تَخَرَّجَ مِنَ المَدرسةِ؟ .....

۶۳ ما هو شُغلُ فؤاد؟ .....

تست‌های درس

۶۴ **ترجمهٔ کدام عبارت درست نیست؟**

۱) حَدَثَ التَّصادُم أَمامي: تصادف روبه‌رویم اتفاق افتاد،

۲) عندما شاهَدْتُه عَلَى الرصيفِ المُقابل: زمانی که او را در پیاده‌رو مقابل دیدم،

۳) ناديتُه فَعَبر الشارعَ فَجأةً: او را صدا کردم و او به سرعت از خیابان عبور کرد،

۴) و مانظَرَ إلى اليَسار وَ اليَمين: و به چپ و راست نگاه نکرد.

۶۵ **ترجمهٔ کلماتی که زیرشان خط کشیده شده به‌ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟**

«رَقَدتْ فاطمةُ في مُستوصفٍ قريبٍ مِنْ بيتِها.»

۱) خوابید- بیمارستان ۲) بستری شد- درمانگاه ۳) بیرون رفت- درمانگاه ۴) بستری شد- بیمارستان

۶۶ **مترادف و یا متضاد کدام گزینه صحیح نیست؟**

۱) شَقاوة ≠ سَعادة ۲) بُكاء ≠ ضَحْك ۳) مَسرور = فَرَح ۴) أخَوات = إخْوَة

۶۷ **وزن و حروف اصلی کلمات «قاتِل، مَقتول» به‌ترتیب در کدام گزینه آمده است؟**

۱) مَفعول- فاعِل (ق، ت، ل) ۲) مَفعول- فاعِل (ت، ل، ق) ۳) فاعِل، مَفعول (ق، ت، ل) ۴) فاعِل- فاعِل (ل، ق، ت)

۶۸ **کدام تصویر مناسب عبارت روبه‌روست؟ «السَّيْر في هذا الطريقِ مَمنوع.»**

۱)

۲)

۳)

۴)

۶۹ **ترجمهٔ کلمات «صانِع- مَصنوع» به‌ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟**

۱) سازنده- ساخته شده ۲) ساخته شده- سازنده ۳) ساخت- ساخته می‌شود ۴) ساخته می‌شود- می‌سازد

۷۰ **در کدام گزینه کلمه‌ها با یکدیگر هم‌خانواده نیستند؟**

۱) عالِم- مَعلوم- عِلم ۲) أحكام- حُكم- مَحكوم ۳) سَجّاد- سَجد- ساجِد ۴) عارِف- رَفيع- عِرفان

۷۱ **وزن کدام کلمه نادرست است؟**

۱) سَلَّمَ ← فَعَّلَ ۲) إستَخْرَجَ ← إسْتَفْعَلَ ۳) إنْكَسَرَ ← إفْتَعَلَ ۴) تَعامَلَ ← تَفاعَلَ

۷۲ **عبارت «أوراقٌ فيها أَخبارٌ وَ معلوماتٌ أُخرى» مربوط به کدام کلمه است؟**

۱) الرَّصيف ۲) الصَّحيفة ۳) البُكاء ۴) المُسْتَوصَف

۷۳ **با توجه به تصاویر داده شده نگارش کدام عبارت نادرست است؟**

۱)

۲)

۳)

۴)

۱) أنتما طالبتان. ۲) أنا طالبٌ. ۳) أنتِ طالبةٌ. ۴) أنتم طلّاب.

پاسخ‌نامه تشریحی

۱ ۱) خاتَم (انگشتر)
۲) أزهار (شکوفه‌ها)
۳) الدورانُ عَلَی الیَسار ممنوعٌ (گردش به چپ ممنوع)
۴) مَمَرُّ مُشاة (گذرگاه پیاده)

۲ الگو

۳ گریه کردن

۴ باهوش

۵ پیاده‌رو

۶ ناگهان

۷ زشتی

۸ بیمارستان

۹ صدا زد.

۱۰ آرام

۱۱ قَریب ≠ بَعید (نزدیک ≠ دور) — قُبح ≠ جَمال (زشتی ≠ زیبایی)

۱۲ آمَنَ ≠ کَفَرَ (ایمان آورد ≠ کافر شد) — شَقاوة ≠ سَعادة (بدبختی ≠ خوشبختی)

۱۳ المُقابِل = أمام (روبه‌رو) — الیَسار ≠ الیَمین (چپ ≠ راست)

۱۴ خوش‌ادبی انسان زشتی نسب او را می‌پوشاند. (یَسْتُرُ: می‌پوشاند)

۱۵ بزرگی انسان به دانش و ادب اوست نه به طلایش. (المَرء: انسان، ذَهَب: طلا)

۱۶ قطعاً محبوب‌ترین دانش‌آموزان همان کسانی هستند که با دقت درس می‌خوانند. (أحبّ: محبوب‌ترین، یَدرسُونَ: درس می‌خوانند)

۱۷ فؤاد دانش‌آموز باهوشی است و او برای دانش‌آموزان کلاس الگو است. (أسوة: الگو)

۱۸ اشک‌ها روی صورت بیمار جاری است. (الدُّموع: اشک‌ها، وَجه: صورت)

۱۹ مریم ناگهان شروع به گریه کرد. (فَجأة: ناگهان)

۲۰ پلیس در گذرگاه پیاده ایستاد. (الشُّرطيّ: پلیس، مَمَرُّ مشاة: گذرگاه پیاده)

۲۱ برای هر عبادت کننده‌ای عبادت شونده‌ای هست. (عابِد: عبادت کننده، مَعْبود: عبادت شده)

۲۲ او در بیمارستان بستری شد، با ماشین تصادف کرد.

۲۳ پلیس راهنمایی و رانندگی آمد و علامت‌های ضروری را برای عابران توضیح داد.

۲۴ دانش‌آموز یک روزنامهٔ دیواری نوشت و در آن نشانه‌های راهنمایی و رانندگی را کشید.

۲۵ او را در پیاده‌رو رو به‌رو دیدم.

۲۶ بله او را می‌شناسم؛ او دختری باهوش و آرام است.

۲۷ خانوادهٔ فاطمه دوستش را در درمانگاه نشناختند.

۲۸ در کیفم برگه‌ها و کتاب‌های درسی بود.

۲۹ هرگاه بندگانم از تو در مورد من بپرسند پس من نزدیک هستم.

۳۰ چشم ☐ پا ☐ دندان ☐ نگاه کرد ☑

۳۱ برادر ☐ خواهر ☐ پدر ☐ دانش‌آموز ☑

۳۲ کتابخانه ☐ مدرسه ☐ انگشتر ☑ بیمارستان ☐

۳۳ آب ☐ سفره ☑ چای ☐ شیر ☐

۳۴ قرار می‌دهد ☑ مشاهده کرد ☐ نوشید ☐ خورد ☐

۳۵ (الف)

۳۶ (الف)

۳۷ (ب)

۳۸ (ب)

۳۹ (ب)

۴۰ (ب)

۴۱ (الف)

۴۲ (ب)

۴۳ علی همراه خانواده‌اش سر سفره نشست.

۴۴ آن‌ها در بیمارستانی نزدیک خانه‌شان بستری شدند.

۴۵ سرعت ماشین واقعاً کم بود.

۴۶ پلیس راهنمایی و رانندگی را در خیابان اول دیدم.

۴۷ ماشین به او نزدیک شد و ناگهان به او برخورد کرد.

۴۸ مادرم را در پیاده‌رو روبه‌رو صدا زدم.

۴۹ سجّاد به سمت کارگران رفت و با آن‌ها سخن گفت.

۵۰ پلیس به رانندهٔ ماشین هشدار داد.

۵۱

۱) مَسرور ← (وزن) مَفْعَول ← (حروف اصلی) (س ر ر)

۲) رَحیم ← (وزن) فَعیل ← (حروف اصلی) (ر ح م)

۳) صَبور ← (وزن) فَعُول ← (حروف اصلی) (ص ب ر)

۴) صاحِب ← (وزن) فاعِل ← (حروف اصلی) (ص ح ب)

۵) یَرفَعُ ← (وزن) یَفْعَلُ ← (حروف اصلی) (ر ف ع)

۵۲ هي اشْتَغَلَتْ

۵۳ هُنَّ ذَهَبْنَ

۵۴ هُو كَتَبَ

۵۵ أنا أذْهَبُ

۵۶ أنتما كتبتُما

۵۷ أنتَ جَعَلْتَ

۵۸

کلمه	وزن	حروف اصلی	حروف زائد
مُجالَسَة	مُفاعَلَة	ج ل س	م ا ـة
سافَرَ	فاعَلَ	س ف ر	ا
اِشْتِغال	اِفْتِعال	ش غ ل	ا ت ا
سَلَّمَ	فَعَّلَ	س ل م	تکرار «ل»
جَميل	فَعيل	ج م ل	ی

۵۹ ۱ ← (د) ۲ ← (الف)

۳ ← (ب) ۴ ← (ج)

۵ ← (هـ)

ترجمهٔ متن

مریم در کلاس نهم درس می‌خواند. او دو خواهر دارد: فاطمه و حدیثه. آن دو به مدرسه نمی‌روند زیرا آن‌ها کوچک هستند. مریم یک برادر دارد که نامش فؤاد است. او از مدرسه فارغ التحصیل شده است و اکنون او پلیس راهنمایی و رانندگی است.

۶۰ لها أُختانِ

۶۱ فؤاد

۶۲ فؤاد

۶۳ شُرطيُّ المرور

۶۴ گزینهٔ (۳)- ترجمهٔ عبارت: او را صدا کردم پس ناگهان از خیابان عبور کرد. (فَجأة: ناگهان)

۶۵ گزینهٔ (۲)- رَقَدتُ: خوابید، بستری شد / مُسْتَوصَف: درمانگاه (المُسْتَشفی: بیمارستان)

۶۶ گزینهٔ (۴)- «أَخَوات» جمع مکسر «أُخت» به معنای خواهر و «إِخْوة» جمع مکسر کلمهٔ «أخ» به معنای برادر است و این دو کلمه با هم متضاد هستند.

ترجمهٔ سایر گزینه‌ها: ۱) بدبختی ≠ خوشبختی

۲) گریه ≠ خنده

۳) شاد = خوشحال

۶۷ گزینهٔ (۳)- حروف اصلی کلمه‌های «قاتِل، مَقتول»، «ق، ت، ل» است و وزن آن‌ها «فاعِل، مَفعول» است.

۶۸ گزینهٔ (۲)- ترجمهٔ عبارت «راه رفتن در این راه ممنوع است.» (ورود ممنوع) که تصویر شمارهٔ (۲) بیانگر این عبارت است.

۶۹ گزینهٔ (۱)- «صانِع» بر وزن «فاعِل» به معنای «سازنده» و «مَصنوع» بر وزن «مَفعول» به معنای «ساخته شده» است. (معمولاً وزن «فاعِل» به معنای انجام دهنده یا دارندهٔ حالت و وزن «مَفعول» به معنای انجام شده است.)

۷۰ گزینهٔ (۴)- دو کلمهٔ «عارِف، عِرفان» حروف اصلیشان «ع ر ف» است و با هم، هم‌خانواده‌اند اما حروف اصلی کلمهٔ «رَفیع»، «ر ف ع» است و با این دو کلمه فرق می‌کند.

۷۱ گزینهٔ (۳)- حروف اصلی «اِنْکَسَرَ»، «ک س ر» است بنابراین وزن آن «اِنْفَعَل» می‌باشد و «ن» در آن جزو حروف زائد است.

۷۲ گزینهٔ (۲)- ترجمهٔ عبارت: برگه‌هایی است که در آن خبرها و اطلاعات دیگری است.

ترجمهٔ گزینه‌ها: ۱) پیاده‌رو ۲) روزنامه

۳) گریه کردن ۴) درمانگاه

۷۳ گزینهٔ (۴)- با توجه به تصویر که سه دختر را نشان می‌دهد ضمیر «أنتنّ» و کلمهٔ «طالبات» که جمع مؤنث هستند، می‌آید. «أنتم طلّابٌ» بر جمع مذکّر دلالت دارند.